

دیدهبان منطقه

هفته نامه رصدی دیدهبان منطقه

شماره پنجم

مرکز تحلیل
راهبردی و بین الملل



الله الرحمن الرحيم

فهرست

-
- ۶ اتصال شبکه برق اسرائیل - قبرس - یونان از حمایت ایالات متحده برخوردار شد
- ۷ ثابت ماندن نیروی کار فناوری اسرائیل با وجود اخراج - نظرسنجی
- ۱۰ قدرت بدون ادغام: مدلی محتاطانه برای همکاری در حوزه برق بین اسرائیل، سوریه و لبنان
- ۱۲ خط قرمز اسرائیل در سوریه و بهای رویارویی با ترکیه
- ۱۴ نتانیا هو: تصمیم گرفتیم که یک منطقه امنیتی در سوریه ایجاد کنیم
- ۱۶ معمای ترکیه . سوریه
- ۱۷ نتانیا هو علناً از بن گویر خواست که با اسموتریچ برای انتخابات اکتبر متحد شود
-

فهرست

- ۱۹ فرمانده ارتش اسرائیل: چنین وضعیتی به
آمادگی ارتش اسرائیل آسیب می‌رساند
- ۲۰ اسرائیل بودجه یک اندیشکده جعلی آمریکایی
به نام «مؤسسه هانوفر» را تأمین کرد
- ۲۲ اسرائیل نمایندگان هلند را به دلیل ممنوعیت
محصولات غیرقانونی شهرک‌سازی اخراج کرد
- ۲۴ مقام مسئول طرح آتش بس ترامپ از حملات
اسرائیل انتقاد کرد
- ۲۵ نخست‌وزیر بریتانیا آماده ممنوعیت تجارت با
شهرک‌هاست؛ منتقدان از تبدیل آن به تحریم
عملی اسرائیل می‌ترسند.
- ۲۸ دیده بان : تحلیل کلی منطقه

سخن سردبیر

غرب آسیا دیگر صرفاً صحنه وقوع بحران‌ها و منازعات مقطعی نیست؛ این منطقه به یکی از مهم‌ترین میدان‌های رقابت بر سر آینده نظم بین‌المللی تبدیل شده است. آنچه در سال‌های اخیر در مناسبات سیاسی، امنیتی و اقتصادی منطقه رخ داده، از جابه‌جایی تدریجی در موازنه قدرت و تغییر محاسبات بازیگران حکایت دارد. شکل‌گیری پیمان‌های جدید، بازتعریف ائتلاف‌ها، گسترش همکاری‌های اقتصادی و فناورانه و تلاش برای ایجاد ترتیبات امنیتی تازه، همگی بخشی از فرایندی هستند که می‌تواند چهره غرب آسیا را در سال‌های پیش رو دگرگون کند.

در مرکز این تحولات، رقابت بر سر تعریف «نظم مطلوب منطقه» قرار دارد. آمریکا تلاش می‌کند با بازسازی شبکه شرکای خود، پیوند دادن ترتیبات امنیتی و اقتصادی و پیشبرد پروژه‌هایی همچون گسترش روند عادی‌سازی، همچنان معماری منطقه را در امتداد منافع خود شکل دهد. رژیم صهیونیستی نیز در پی آن است که با تبدیل روابط دوجانبه به شبکه‌ای از همکاری‌های امنیتی، اقتصادی، انرژی و فناوری، خود را به بخشی تثبیت شده از ساختار جدید منطقه تبدیل کند. با این حال، تحولات سال‌های اخیر نشان داده است که میان طراحی‌های سیاسی و واقعیت‌های میدانی فاصله قابل توجهی وجود دارد و مسئله فلسطین همچنان یکی از متغیرهای بنیادین و حذف‌ناشدنی معادلات غرب آسیاست.

در سوی دیگر، دولت‌های منطقه نیز دیگر صرفاً در چارچوب ائتلاف‌های سنتی حرکت نمی‌کنند. عربستان سعودی، ترکیه، امارات متحده عربی، مصر، قطر و دیگر بازیگران منطقه‌ای، هر یک در حال بازتنظیم مناسبات خود بر اساس مجموعه‌ای از ملاحظات امنیتی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی هستند. هم‌زمان، افزایش نقش چین و روسیه و تلاش آنها برای توسعه روابط با کشورهای منطقه، امکان‌های جدیدی را پیش روی بازیگران غرب آسیا قرار داده است. نتیجه این وضعیت، شکل‌گیری محیطی پیچیده‌تر است که در آن، همکاری و رقابت، وابستگی اقتصادی و ملاحظات امنیتی و نیز روابط با قدرت‌های بزرگ به شکلی فزاینده درهم تنیده شده‌اند. از این منظر، مسئله اصلی صرفاً این نیست که چه توافقی امضا می‌شود یا کدام کشور به یک ائتلاف جدید می‌پیوندد؛ پرسش اساسی‌تر آن است که مجموعه این تحولات در نهایت چه نوع نظم منطقه‌ای را تولید خواهد کرد. آیا غرب آسیا به سمت نظمی مبتنی بر ائتلاف‌های امنیتی تحت هدایت قدرت‌های فرامنطقه‌ای حرکت خواهد کرد، یا بازیگران منطقه‌ای خواهند توانست سازوکارهایی مستقل‌تر برای تأمین امنیت و تنظیم روابط خود ایجاد کنند؟ در این میان، میزان موفقیت پروژه‌های عادی‌سازی، آینده مقاومت فلسطین، تحولات



سوریه و لبنان، وضعیت عراق و یمن، امنیت خلیج فارس و دریای سرخ و همچنین رقابت قدرت‌های بزرگ، از جمله متغیرهایی هستند که پاسخ به این پرسش را تعیین خواهند کرد.

این شماره از نشریه با همین رویکرد، تلاش دارد تصویری فراتر از سطح رویدادهای روزمره ارائه کند و مناسبات، توافقات و روندهایی را بررسی نماید که در حال شکل دادن به آینده غرب آسیا هستند. تمرکز بر بازیگران اصلی، شبکه‌های سیاسی و امنیتی، پروژه‌های اقتصادی و فناورانه، روندهای عادی‌سازی و همچنین واکنش نیروهای مقاومت و دولت‌های منطقه، این امکان را فراهم می‌کند که تحولات جاری نه به صورت مجموعه‌ای از اتفاقات منفصل، بلکه به عنوان اجزای یک رقابت بزرگ‌تر بر سر آینده منطقه فهم شوند.

به باور ما، آینده غرب آسیا از پیش تعیین نشده است. هر توافق، هر ائتلاف و هر تغییر در مناسبات قدرت، در کنار فرصت‌های جدید، محدودیت‌ها و تناقض‌های خود را نیز به همراه دارد. از این رو، فهم دقیق روندهای جاری نیازمند نگاهی است که همزمان ظرفیت‌های بازیگران، شکاف‌های موجود در طرح‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای و توان منطقه برای بازتعریف مسیر خود را مورد توجه قرار دهد. این شماره می‌کوشد از همین منظر، تصویری تحلیلی از نبرد بر سر شکل دهی به نظم آینده غرب آسیا ارائه کند؛ نظمی که پیامدهای آن نه فقط برای منطقه، بلکه برای آینده موازنه قدرت در سطح بین‌المللی نیز تعیین‌کننده خواهد بود.



اتصال شبکه برق اسرائیل-قبرس-یونان از حمایت ایالات متحده برخوردار شد

یکی از بزرگترین نگرانی‌ها در طول هر گونه تشدید تنش با ایران، آسیب به زیرساخت‌های حیاتی به طور کلی و دارایی‌های انرژی به طور خاص است. در نتیجه، اسرائیل در سالهای اخیر برای ترویج پروژه اتصال دهنده برای اتصال شبکه برق خود به قبرس و یونان و از آنجا به بقیه سرزمین اصلی اروپا کار کرده است. با این حال، مخالفت ترکیه با این پروژه منجر به تأخیر تا به امروز شده است و از توسعه واقعی طرحی که در سال ۲۰۲۲ راه اندازی شد، برای برقراری کابل‌های برق زیر آب بین کشورهای مدیترانه شرقی جلوگیری می‌کند. اخیراً پس از یک دوره طولانی تاخیر، این پروژه از حمایت قابل توجهی از سوی ایالات متحده و فرانسه برخوردار شد.

سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا گفت: (ایالات متحده از امنیت انرژی و همکاری در مدیترانه شرقی، از جمله از طریق مرکز انرژی مدیترانه شرقی حمایت می‌کند، دولت ترامپ همچنان متعهد به تقویت مشارکت‌های کلیدی انرژی است که امنیت انرژی جهانی را افزایش می‌دهد و آینده‌ای امن‌تر و مرفه‌تر را ارتقا می‌دهد. با امنیت انرژی برای ایالات متحده و شرکای آن).



تاریخ: ۲۷ اگوست ۲۰۲۶

برچسب: رژیم صهیونیستی، اتصال برق، یونان، ترکیه، قبرس

تحلیل

رژیم صهیونیستی درگیری با ایران را یک درگیری بلند مدت می‌بیند به همین دلیل به دنبال تغییر سیاست انرژی خود برای کاهش آسیب‌پذیری در این حوزه است. پروژه‌ی اتصال برق به اروپا گرچه تا به امروز فقط یک طرح است، اما در صورت حل مانع ترکیه می‌تواند آسیب‌پذیری رژیم در حوزه زیرساخت برق را کاهش دهد.



♦ ثابت ماندن نیروی کار فناوری اسرائیل با وجود اخراج - نظرسنجی

در حالی که اعداد کلی ثابت مانده‌اند، تغییرات عمیقی در الگوهای اشتغال در حال رخ دادن است. بر اساس نظرسنجی سازمان نوآوری اسرائیل و شرکت راه‌حل‌های جبران خسارت و مزایای زویران، با وجود موج گزارش‌های اخراج توسط شرکت‌های فناوری، تعداد افراد شاغل در صنعت فناوری اسرائیل در نیمه اول سال ۲۰۲۶ تقریباً بدون تغییر باقی مانده است. با این حال، در پس این ثبات کلی، تغییری در وضعیت اشتغال نهفته است. شرکت‌های نرم‌افزاری با سرعت بالایی در حال تعدیل نیرو هستند، در حالی که شرکت‌های سخت‌افزاری همچنان در حال گسترش هستند. در این مرحله، تأثیر هوش مصنوعی عمدتاً بر مرحله استخدام جدید است و در اخراج‌هایی که قبلاً انجام شده است، کمتر مشهود است.

این نظرسنجی ۲۱۰ شرکت را پوشش می‌دهد که در مجموع حدود ۱۳۰۰۰۰ نفر را استخدام می‌کنند. این نظرسنجی بر شرکت‌هایی تمرکز دارد که بیش از ۵۰ کارگر استخدام می‌کنند و بنابراین لزوماً منعکس‌کننده آنچه در استارت‌آپ‌های کوچک اتفاق می‌افتد، نیست.

طبق این نظرسنجی، در نیمه اول امسال، شرکت‌ها به طور متوسط ۸ درصد از نیروی کار خود را استخدام کرده‌اند. درصد کارمندان اخراج شده ۲.۸ درصد بود، در حالی که ۴.۳ درصد دیگر به میل خود شغل خود را ترک کردند. با کنار هم قرار دادن همه این جابجایی‌ها، کل نیروی کار فناوری از نظر اندازه مشابه ابتدای سال باقی مانده است.

این تصویر تا حدودی با سایر داده‌های بازار کار مطابقت دارد. طبق گزارش سرویس اشتغال، حدود ۱۵۰۰۰ نفر به دنبال کار در حرفه‌های فناوری هستند و حدود ۱۸۰۰۰ موقعیت شغلی خالی در این حرفه‌ها وجود دارد. آمار دفتر مرکزی آمار نشان دهنده رشد ۷ درصدی تعداد افراد شاغل در فناوری پیشرفته در سه ماهه اول سال ۲۰۲۶ است.

با این وجود، این ارقام لزوماً به این معنی نیست که افراد جویای کار می‌توانند موقعیت‌های خالی را پر کنند. برخی از مشاغل جدید نیاز به تجربه، آموزش و تخصصی متفاوت از صلاحیت‌های کارگرانی دارند که شرکت‌های دیگر را ترک کرده‌اند. بنابراین ممکن است تعداد کلی کارگران در این صنعت ثابت بماند، در حالی که کارگران در برخی مناطق در یافتن شغل جدید با مشکل مواجه خواهند شد.



ساده سازی همیشه منجر به اخراج نمی شود. در شرکت های نرم افزاری، اخراج ها در نیمه اول سال به ۶.۶ درصد از نیروی کار رسید که بیش از دو برابر میانگین کلی صنعت است. در شرکت های سخت افزاری، این نرخ فقط ۱.۱ درصد بود. در شرکت های داروسازی و تجهیزات پزشکی، ۲.۷ درصد بود.

این شکاف، تأثیر هوش مصنوعی را بر مدل های کسب و کار و نیازهای نیروی انسانی نشان می دهد. شرکت های نرم افزاری می توانند از هوش مصنوعی برای تسریع کدنویسی، بررسی ها، خدمات و سایر فرآیندهای توسعه استفاده کنند. آن ها باید با رقابایی که می توانند محصولاتی را با تیم های کوچک تر توسعه دهند، مقابله کنند.

در شرکت های سخت افزاری، تصویر متفاوت است. رشد تقاضا برای پردازنده ها، زیرساخت های محاسباتی و سیستم های مبتنی بر فناوری عمیق، تقاضا برای افراد با تخصص ویژه را افزایش می دهد. در نتیجه، کارایی بیشتر حاصل از هوش مصنوعی لزوماً به کوچک سازی منجر نمی شود و گاهی اوقات حتی با گسترش فعالیت همراه است.

اندازه شرکت نیز بر احتمال اخراج ها تأثیر می گذارد. بالاترین نرخ تعدیل نیرو در شرکت هایی با استخدام بین ۵۰ تا ۲۰۰ نفر است که به ۸.۷ درصد می رسد، بیش از سه برابر میانگین صنعت. شرکت های این گروه تقریباً نیمی از شرکت هایی را تشکیل می دهند که تعدیل نیرو گسترده انجام داده اند.

نرخ تعدیل نیرو در بین شرکت های رشد اسرائیلی با فعالیت بین المللی بیشتر از مراکز توسعه شرکت های چندملیتی بود. طبق این نظرسنجی، نرخ ارزش به دلار یکی از دلایل این امر بود. ۱۷.۶ درصد از شرکت هایی که تعدیل نیرو گسترده انجام دادند، این موضوع را به عنوان دلیل این اقدام ذکر کردند، همانطور که ۲۸ درصد از شرکت هایی که استخدام را کاهش دادند، این موضوع را دلیل این اقدام خود دانستند.



تاریخ: ۱۱ اگوست ۲۰۲۶

برچسب: رژیم صهیونیستی، اشتغال، فناوری



تحلیل

در طول جنگ رمضان یکی از نقاط حائز اهمیت و مورد اشاره در خصوص ضربه پذیری اسرائیل بخش فناوری رژیم صهیونیستی بوده است. خبر حال حاضر در خصوص ثابت ماندن نیروی کار حوزه فناوری اسرائیل نشان می‌دهد که علیرغم تغییر و مهاجرت داخلی نیروی کار اما تغییر منفی‌ای در این خصوص دیده نشده است. و در تولید ناخالص داخلی رژیم تاثیر منفی دیده نمی‌شود. از جمله نقاط آسیب پذیر رژیم صهیونیستی بخش فناوری بوده است که در مقابل زیرساخت‌های انرژی ما تاثیر گذار و برای رژیم دارای ارزش است. باید توجه داشت این بخش فناوری می‌تواند یکی از نقاط قابل درگیری باشد.



◆ قدرت بدون ادغام: مدلی محتاطانه برای همکاری در حوزه برق بین اسرائیل، سوریه و لبنان

همکاری برق بین اسرائیل و سوریه از نظر فنی امکان پذیر است، اما به طور قابل توجهی دشوارتر از صادرات غیرمستقیم گاز است که در حال حاضر از طریق اردن انجام می شود. برخلاف گاز طبیعی، تجارت برق باید در زمان واقعی متعادل شود و وابستگی فوری به زیرساخت های مشترک ایجاد کند. بنابراین، محتمل ترین مسیر برای آینده، مدلی از پیوندهای برق کوچک، برگشت پذیر و تحت نظارت خارجی است که به پروژه های غیرنظامی تعریف شده خدمت می کنند و از شبکه ملی هر دو طرف جدا هستند. بنابراین، واقع بینانه ترین گام اولیه، یک اتصال آزمایشی کوچک از بلندی های جولان به جوامع دروزی در جنوب سوریه است که با تولید انرژی بادی موجود، ظرفیت جدید خورشیدی و ذخیره سازی باتری پشتیبانی می شود. لبنان نیز می تواند از طریق پروژه های خورشیدی و ذخیره سازی جداگانه در جنوب مشارکت کند و اتصال مستقیم اسرائیل تنها پس از بهبود شرایط امنیتی بین دو کشور در نظر گرفته شود. چنین پروژه هایی می توانند از پمپاژ آب، بیمارستان ها و خدمات شهری در سوریه و لبنان پشتیبانی کنند و در عین حال به اسرائیل نفوذ بر بازسازی منطقه ای بدهند. اگرچه چنین ابتکاراتی احتمالاً هرگز به یک شبکه منطقه ای کاملاً یکپارچه بین سه بازیگر منجر نمی شوند، اما می توانند به چیزی بیش از یک پروژه صلح نمادین تبدیل شوند. موفقیت آنها به استانداردهای سختگیرانه قابلیت اطمینان، رضایت جوامع محلی و توانایی هر طرف برای قطع ارتباط بدون بی ثبات کردن شبکه برق خود بستگی دارد.

در حالی که اسرائیل از طریق ترتیبات منطقه ای با مشارکت اردن، گاز طبیعی را به طور غیرمستقیم به سوریه صادر می کند، تجارت برق بین دو کشور آزمون بسیار دشوارتری را پیش رو دارد. در حالی که گاز می تواند از طریق واسطه ها ذخیره، هدایت و از نظر سیاسی بسته بندی مجدد شود، برق باید تقریباً همزمان تولید و مصرف شود. بنابراین، یک خط برق فرامرزی، نوعی وابستگی آشکارتر و فوری تر به زیرساخت مشترک ایجاد می کند که انکار یا پنهان کردن آن از طریق اشخاص ثالث برای هر دو طرف دشوارتر است.

برای اسرائیل، این مزایا هم استراتژیک و هم بشردوستانه خواهد بود. یک خط برق کنترل شده می تواند مدیریت غیرنظامی در جنوب سوریه را تقویت کند، وابستگی به شبکه های قاچاق دیزل را کاهش دهد و به مقامات محلی انگیزه دهد تا از حملات به زیرساخت های مرزی جلوگیری کنند. همچنین به اسرائیل اجازه می دهد تا بر استانداردهای بازسازی تأثیر بگذارد و نظارت کند که کدام تأسیسات حمایت دریافت می کنند. برخلاف کمک های مالی گسترده، برق را می توان اندازه گیری، محدود و به سمت خدمات خاص هدایت کرد.



منبع: اندیشکده بگین سادات تاریخ: ۱۶ اگوست ۲۰۲۶

برچسب: رژیم صهیونیستی، گاز، سوریه، برق، لبنان

تحلیل

توافق گازی میان سوریه و لبنان با اردن و مصر توجه رژیم صهیونیستی را برای نفوذ اقتصادی در این دو کشور دقیق تر کرده است. رژیم هم اکنون به اتصال شبکه برق خود به سوریه فکر می کند، چرا که صادرات فعلی گاز به سوریه نفوذ مستقیم سیاسی رژیم را در پی ندارد و کشورهای اردن و مصر می توانند بر اساس اولویت ها و نیازهای خود عمل کنند. به صورت کلی اما اتصال انرژی رژیم به سوریه و لبنان دور از دسترس نیست، سوریه و لبنان نیاز بالایی به انرژی دارند و این موضوع می تواند در آینده نزدیک، در چارچوب توافقات میان رژیم و سوریه، و رژیم و لبنان برای عادی سازی روابط مورد بررسی قرار گیرد. چالش های اصلی اما در لبنان و سوریه همچنان پابرجاست و دولت های لبنان و سوریه هزینه سیاسی این اقدام را بالا می بینند. شرایط سیاسی نیز در این دو کشور در مقایسه با اردن که از گذشته اقدام به واردات گاز نمود متفاوت است. اما با توجه به فشار حال حاضر در لبنان بر روی حزب الله و همچنین نیاز سوریه به انرژی می تواند جزیی از محورهای گفتگوی باشد.



♦ خط قرمز اسرائیل در سوریه و بهای رویارویی با ترکیه

چند روز قبل از حمله اخیر در اعماق سوریه، مقامات دفاعی اسرائیل به ایالات متحده گفتند که ترکیه در حال آماده شدن برای استقرار رادار در پایگاه «ابوظهور» و به دنبال آن سامانه‌های دفاع هوایی و نیروهای ترکیه برای عملیات آنها است، اقدامی که اسرائیل انجام داد. ادعا کرد که توازن قوای منطقه ای را تغییر خواهد داد. اسرائیل حفظ آزادی عمل هوایی خود در سوریه را به عنوان یک هدف حیاتی می داند که تمایلی به سازش در مورد آن ندارد. این رویکرد هدایت کننده در دوران حکومت بشار اسد برای خنثی کردن سنگربندی ایران بود و اکنون نیز در عصر الشرع چنین باقی مانده است. با وجود روابط نزدیک بین کشورها، سوریه به عنوان نماینده ترکیه عمل نمی کند. همانطور که در بالا ذکر شد، الشرع به دنبال اجتناب از وابستگی کامل به آنکارا بوده و سعی در معتدل کردن روابط خود دارد.

ایالات متحده حمایت بی سابقه ای از رهبری سوریه نشان داده و اقدامات دیپلماتیک و اقتصادی را با هدف کمک به ثبات این کشور از جمله لغو تحریم ها انجام داده است. در حالی که ترامپ موضعی محدود در قبال حمله اسرائیل اتخاذ کرد، اما تام باراک فرستاده ویژه برای سوریه این اقدام را تشدید غیرضروری توصیف کرد که ثبات منطقه را تضعیف می کند و تاکید کرد که دولت الشرع بارها ترجیح آشکاری برای تنش زدایی با اسرائیل ابراز کرده است. حمله غیرمعمول اسرائیل سؤالات اساسی را ایجاد می کند که مفعالیت ترکیه در شمال سوریه تا چه حد تهدیدی مستقیم برای اسرائیل است؟

هدف از حمله در شمال سوریه حفظ آزادی عمل ارتش اسرائیل بود، اما پیامدهای واقعی آن می تواند یک شمشیر دولبه باشد و دست اسرائیل را برای حفظ آزادی عمل محدود کند.

در نتیجه، حضور و نفوذ ترکیه در سوریه یک واقعیت تثبیت شده است که بعید است تنها با استفاده از نیروی نظامی از بین برود. چالش اسرائیل حذف کامل دخالت ترکیه نیست، بلکه مهار و متعادل کردن آن است.



تاریخ: ۲۷ اگوست ۲۰۲۶

منبع: INSS

برچسب: رژیم صهیونیستی، ترکیه، سوریه



تحلیل

علیرغم نگاه تعامل گرایانه اندیشکده، اما ساختار امنیتی اسرائیل ابزار نظامی را همچنان یک اهرم قدرتمند برای تعیین خطوط قرمز خود در سوریه می بینند. مؤید این فرضیه، دیدار «اسعد شیبانی» وزیر خارجه سوریه و «رومن گوفمن» رییس موساد در اردن بود. رژیم فهمیده است که راه تعیین خطوط امنیتی در سوریه از طریق ابزار نظامی است و طرف سوری نیز امکان واکنش نسبت به این اقدامات را ندارد.

تنش با ترکیه نیز علیرغم تصعید در شرایط کنونی به میزان لازم نرسیده است و دو طرف این امید را دارند که از طریق کانال های دیپلماتیک تنش ها را کنترل نمایند.



♦ نتانياهو: تصميم گرفتيم كه يك منطقه امنيتي در سوريه ايجاد كنيم

نتانياهو درباره تركيه و سوريه: تصميم گرفتيم كه ما يك منطقه امنيتي در سوريه ايجاد كنيم تا در برابر احتمال تهجم جهادي از منطقه سوريه مقابله كنيم. و در شمال سوريه، تركيه وجود دارد؛ آن ها در آنجا منطقه اي مشخص دارند. من نمي خواهم ببينم كه تركيه به سمت جنوب بيايد. من اين را گفتم، و آن را به رژيم سوريه هم منتقل كردم: پايين نياييد، نگذاريد آن ها به جنوب بيايند. من اين را به ترك ها هم منتقل كردم. يك وضعيت موجود معيني وجود داشت، اما آن ها وضعيت موجود را شكستند، يا قصد شكستن آن را داشتند. من پيامي فرستادم — از طريق آمريكايي ها، از طريق وسايل ديگر، و همچنين مستقيماً به سوريه — كه ما تحكيم نظامي تركيه در يك فرودگاه در جنوب منطقه اي كه تركيه در حال حاضر در آن واقع است را تحمل نخواهيم كرد. ظاهراً آن پيام دريافت نشد، و ما مجبور شديم آن را در آنچه ما در اصطلاحات خودمان، به روش هاي جنبشي مي ناميم، نشان دهيم. بنابراين ما آن را به روش هاي جنبشي منتقل كرديم.



تاريخ: ۲۸ اگوست ۲۰۲۶

منبع: كلش ريپورت

برچسب: اسرائيل، تركيه، غرب آسيا، سوريه



تحلیل

اظهارات نتانیا هو درباره ایجاد «منطقه امنیتی» در سوریه و هشدار به ترکیه برای عدم گسترش به سمت جنوب، در واقع بازتعریف خط قرمزهای اسرائیل در قبال حضور نظامی ترکیه در سوریه است که با اقدام نظامی در پایگاه ابوظهور، به مرحله عملیاتی وارد شده است. این موضع‌گیری نشان از درک تل‌آویو از تغییر معادلات سوریه پسا-اسد دارد؛ جایی که ترکیه در تلاش است با گسترش نفوذ خود به سمت مرزهای اسرائیل، به عنوان یک بازیگر تعیین‌کننده در نظم جدید سوریه ظاهر شود. با این حال، این رویارویی که در سایه پیمان دفاعی مکه و رقابت‌های آنکارا-تل‌آویو در شرق مدیترانه و قفقاز شکل گرفته، می‌تواند به تشدید تنش‌های منطقه‌ای و پیچیده‌تر شدن معادلات سوریه منجر شود، هرچند واکنش محتاطانه ترکیه نشان می‌دهد که آنکارا نیز به دنبال مدیریت تنش به جای رویارویی مستقیم است.



◆ معمای ترکیه . سوریه

مسئله اصلی این است که بعد از تغییرات عمیق در سوریه، ترکیه تلاش دارد نفوذ خود را در ساختار سیاسی و امنیتی سوریه حفظ کند، در حالی که اسرائیل حضور و نفوذ ترکیه را به عنوان یک متغیر امنیتی جدید می بیند. این موضوع با گزارش های اسرائیلی درباره حمله به مواضع مرتبط با حضور ترکیه در سوریه و افزایش حساسیت تل آویو نسبت به آنکارا هم خوان است. در واقع، بخشی از فضای امنیتی اسرائیل اکنون ترکیه را نه صرفاً به عنوان یک کشور مسلمان، بلکه به عنوان رقیب منطقه ای دارای ظرفیت نظامی و سیاسی مستقل می بیند.

منبع: JNS

تاریخ: ۲۵ آگوست ۲۰۲۶



برچسب: آنکارا، سوریه و اسرائیل

تحلیل

این تحول برای مقاومت یک فرصت ژئوپلیتیکی غیرمستقیم ایجاد می کند. رژیم زمانی می تواند بخش زیادی از تمرکز امنیتی خود را روی ایران و شبکه مقاومت قرار دهد؛ اما گسترش رقابت با ترکیه، مصر، عربستان و حتی اروپا، باعث افزایش تعداد جبهه های سیاسی و امنیتی رژیم می شود. به تعبیر راهبردی، هرچه دشمنان و رقبای رژیم متکثرتر شوند، ظرفیت تل آویو برای مدیریت همزمان همه آنها کاهش می یابد.



♦ نتانياهو علناً از بن گویر خواست که با اسموتريچ برای انتخابات اکتبر متحد شود

نتانياهو علناً از بن گویر خواست که با اسموتريچ برای انتخابات اکتبر متحد شود: اگر با او متحد نشوید، ما دولتی چپ‌گرا با آیزنکوت، یائیر گولان و احزاب عربی خواهیم داشت. سرزمین اسرائیل در خطر. من باور ندارم که به خاطر جاه‌طلبی‌های شخصی، حاضرید کشور را به خطر بیندازید. بن گویر نتانياهو را متهم کرده بود که می‌خواهد یک «اتسماه یهودیت ضعیف» داشته باشد تا بعداً بتواند ائتلاف گسترده‌تری با چهره‌های میانه‌رو مانند آیزنکوت تشکیل دهد. این اختلاف حول یک مسئله ریاضی واقعی می‌چرخد. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند که حزب صهیونیسم دینی اسموتريچ در آستانه آستانه انتخاباتی ۳۰۲۵٪ نوسان می‌کند. اگر زیر این حد بیفتد، آن رأی‌ها هدر می‌روند و بلوک راست‌گرا احتمالاً اکثریت خود را از دست می‌دهد. نتانياهو می‌خواهد یک لیست فنی مشترک برای حفاظت از کرسی‌ها. بن گویر تا کنون از ائتلاف با اسموتريچ خودداری کرده است.

تاریخ: ۲۷ اگوست ۲۰۲۶

منبع: کلش ریپورت

برچسب: اسرائیل لیکوید، اسموتريچ، نتانياهو، انتخابات



تحلیل

این اظهارات که در فضای تهدید متقابل نتانياهو و بن‌گوير مطرح شده، در واقع نمایانگر ترس عمیق جریان‌های رادیکال از دست دادن قدرت در انتخابات پیش‌رو است. نتانياهو با ادبیات «دولت چپ‌گرا با احزاب عربی»، در تلاش است تا پایگاه رأی سنتی راست را با بحرانی‌سازی فضا به سمت ائتلاف‌های درون‌بلوکی سوق دهد، در حالی که بن‌گوير با متهم کردن نتانياهو به ضعف در قبال یهودیت، به دنبال حفظ استقلال سیاسی خود و جلوگیری از تبعیت از راهبرد انتخاباتی نخست‌وزیر است. هسته اصلی این منازعه، نگرانی واقعی از ریزش آرای حزب صهیونیسم دینی اسموتریچ است که در آستانه ۳۰۲۵ درصدی در نوسان است و هرگونه شکست در کسب این حد نصاب، می‌تواند به از دست رفتن اکثریت بلوک راست و تشکیل دولتی به رهبری گانتس یا لاپید با مشارکت احزاب عربی بیانجامد. در نتیجه، تنش کنونی بیش از آنکه یک اختلاف ایدئولوژیک باشد، یک محاسبه ریاضی-انتخاباتی برای بقای ائتلاف حاکم است که احتمالاً با فشردن بن‌گوير و تشکیل لیست مشترک در روزهای پایانی حل خواهد شد، چراکه هزینه شکاف در بلوک راست، بازگشت به دوران ائتلاف‌های شکننده با احزاب مرکز و عربی است که هیچ‌یک از اضلاع این منازعه به دنبال آن نیستند.



◆ فرمانده ارتش اسرائیل: چین وضعیتی به آمادگی ارتش اسرائیل آسیب می‌رساند.

فرمانده ستاد کل ارتش اسرائیل، سرلشکر ایال زمیر، هشدار داد که کمبود بودجه در حال حاضر آمادگی نظامی را تحت تأثیر قرار داده و گفت که ارتش اسرائیل با «خزانه‌های خالی» در حال فعالیت است، در حالی که نیروها در چندین جبهه کشیده شده‌اند. او گفت: «چنین وضعیتی به آمادگی ارتش اسرائیل آسیب می‌رساند.»

منبع: کلش ریپورت

تاریخ: ۲۷ اگوست ۲۰۲۶

برچسب: اسرائیل، ارتش، اقتصاد اسرائیل

تحلیل

اظهارات بی‌سابقه ایال زمیر درباره فعالیت ارتش اسرائیل با «خزانه‌های خالی» در شرایطی که نیروها در چندین جبهه (غزه، لبنان، سوریه، کرانه باختری و رویارویی با ایران) گسترده شده‌اند، نشان از شکاف عمیق میان نهاد نظامی و وزارت دارایی اسرائیل دارد که ریشه در نگاه متفاوت به اولویت‌های بودجه‌ای و نگرانی وزارت دارایی از «اقتصاد ضربه‌دیده از جنگ» و افزایش نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی به بیش از ۶۹ درصد است. بحران بودجه‌ای که زمیر از آن سخن می‌گوید، در حالی رخ داده که بودجه دفاعی اسرائیل در سال ۲۰۲۶ به رقم بی‌سابقه ۱۴۳ میلیارد شکل (حدود ۴۵ میلیارد دلار) رسیده و دولت وعده افزایش ۴۰ میلیارد شکل دیگر را داده تا بودجه را به ۱۸۴ میلیارد شکل برساند که دومین بودجه نظامی بزرگ تاریخ اسرائیل محسوب می‌شود. این تناقض میان افزایش بی‌سابقه بودجه و «خزانه‌های خالی»، نشان از عمق بحران مالی ناشی از جنگ‌های چندجبهه‌ای و ناتوانی دولت در تأمین نیازهای فزاینده نظامی در شرایطی دارد که اقتصاد اسرائیل با کاهش رشد و افزایش کسری بودجه مواجه است و منتقدان نسبت به تبدیل اسرائیل به «سوپر-اسپارتر» (دولتی جنگ‌زده با هزینه‌های نظامی سرسام‌آور) هشدار داده‌اند.



اسرائیل بودجه یک اندیشکده جعلی آمریکایی به نام «مؤسسه هانوفر» را تأمین کرد

اسرائیل بودجه یک اندیشکده جعلی آمریکایی به نام «مؤسسه هانوفر» را تأمین کرد که ۱۲۴ گزارش به مجموع بیش از ۵۶۰,۰۰۰ کلمه در نه روز منتشر کرد، با طراحی برای ارجاع توسط چت بات های هوش مصنوعی مانند ChatGPT، Claude و Perplexity. این سایت روی پلتفرمی ساخته شد که وعده بهینه سازی محتوا را می دهد تا سیستم های هوش مصنوعی آن را به عنوان تحقیق معتبر تلقی کنند. هر تیترا، بازتابی از سوالاتی است که یک کاربر ممکن است در چت بات تایپ کند: آیا اسرائیل در غزه نسل کشی انجام می دهد؟ پاسخ ها به طور مداوم اطلاعات را قاب بندی می کنند تا انتقاد از اسرائیل را خنثی کنند. این عملیات از طریق آژانس تبلیغاتی دولتی اسرائیل و گروه تبلیغاتی اروپایی Havas تأمین مالی شد، با ده ها میلیون دلار که به پیمانکاران آمریکایی از جمله شرکتی که توسط برد پارسکیل، مدیر سابق کمپین ترامپ، اداره می شود، هدایت شد. یک مقام اسرائیلی به Ynet اعتراف کرد: ما پول زیادی پرداخت کردیم، اما وضعیت فقط بدتر شد.



تاریخ: ۲۷ اگوست ۲۰۲۶

منبع: گاردین

برچسب: اسرائیل، هانوفر، دیاسپورا، بازسازی تصویر



تحلیل

افشای تأمین مالی یک اندیشکده جعلی آمریکایی توسط اسرائیل برای تولید انبوه محتوای طرفدار این رژیم و طراحی آن برای ارجاع توسط چت بات های هوش مصنوعی، نشان از تغییر تاکتیک تل آویو از لابی گری سنتی به «جنگ روایت ها در فضای دیجیتال» دارد؛ رویکردی که با هدف ایجاد توهم «تحقیق معتبر» برای خنثی سازی انتقادات بین المللی از نسل کشی در غزه طراحی شده است. تولید ۱۲۴ گزارش به مجموع بیش از ۵۶۰ هزار کلمه در تنها ۹ روز، نه فقط نشان از یک عملیات صنعتی- رسانه ای، بلکه بیانگر تلاش برای «آلوده کردن» داده های آموزشی هوش مصنوعی و تغییر خروجی مدل های زبانی بزرگ به نفع روایت اسرائیل است که می تواند پیامدهای بلندمدتی برای کیفیت اطلاعات تولید شده توسط این سیستم ها داشته باشد. اعتراف مقام اسرائیلی به اینکه «پول زیادی پرداخت کردیم، اما وضعیت فقط بدتر شد»، گویای ناکامی این راهبرد در مواجهه با واقعیت های میدانی و افزایش آگاهی افکار عمومی جهانی است که دیگر با محتوای جعلی قابل فریب نیست و نشان از افول قدرت لابی گری سنتی اسرائیل در عصر اطلاعات دارد. این افشا، که به شکاف میان بودجه های کلان تبلیغاتی و تأثیر نزولی آن بر افکار عمومی دامن زده، می تواند به کاهش اعتماد به نهادهای پژوهشی و تضعیف مشروعیت علمی اسرائیل در عرصه بین المللی منجر شود و عملاً نتیجه ای معکوس برای تل آویو به همراه داشته باشد.



اسرائیل نمایندگان هلند را به دلیل ممنوعیت محصولات غیرقانونی شهرک سازی اخراج کرد

اسرائیل روز سه شنبه اعلام کرد که نمایندگان هلند از مرکز هماهنگی تحت رهبری ایالات متحده که بر آتش بس غزه نظارت دارد، اخراج خواهند شد. این اقدام در تلافی تصمیم هلند برای محدود کردن تجارت مربوط به شهرک های غیرقانونی اسرائیلی صورت گرفته است.

گیدئون ساعر، وزیر امور خارجه اسرائیل، گفت که این تصمیم به درخواست بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر، و پس از آنچه او «مجموعه ای از اقدامات ضد اسرائیلی دولت هلند» خواند، گرفته شده است.

ساعر در X نوشت: «نمایندگان هلند فوراً از مرکز بین المللی حمایت از غزه در کربات گات اخراج خواهند شد.» به نمایندگان هلند یک هفته فرصت داده شد تا اسرائیل را ترک کنند. ساعر گفت که هم سفارت هلند و هم ایالات متحده از این تصمیم مطلع شده اند. پیام ما روشن است: کسانی که علیه اسرائیل اقدام می کنند، هیچ جای پایی در منطقه نخواهند داشت. اسرائیل اجازه نخواهد داد که بدون پاسخ، اقداماتی علیه آن انجام شود. مقامات هلندی بلافاصله به اعلامیه اسرائیل واکنش نشان ندادند.



تاریخ: ۲۶ اگوست ۲۰۲۶

منبع: palestinechronicle

برچسب: اسرائیل، هلند، گیدئون ساعر



تحلیل

اخراج نمایندگان هلند از مرکز نظارت بر آتش بس غزه در تلافی تصمیم لاهه برای محدود کردن تجارت با شهرک‌های غیرقانونی، واکنشی تهاجمی اما سرشار از نشانه‌های ضعف راهبردی اسرائیل در برابر تغییر موازنه در روابط با اروپاست. تل‌آویو با این اقدام، در واقع تلاش می‌کند با قدرت‌نمایی نمادین و نمایشی هزینه‌دار کردن مخالفت با سیاست‌های شهرک‌سازی، جلوی تکرار چنین تصمیماتی توسط دیگر کشورهای اروپایی را بگیرد و پیامی بفرستد که هیچ اقدامی علیه اسرائیل بی‌پاسخ نخواهد ماند؛ چراکه هلند تازه‌ترین کشور اروپایی است که به دنبال اسپانیا، ایرلند، نروژ، بلژیک و فرانسه، محدودیت‌های تجاری علیه شهرک‌ها را در دستور کار قرار داده است و این روند در حال تبدیل شدن به یک هنجار در اروپاست. با این حال، واکنش سریع و تهاجمی اسرائیل که به اعتراف وزیر خارجه بدون هماهنگی با آمریکا صورت گرفته و سفارت‌ها را در جریان قرار داده، می‌تواند به انزوای دیپلماتیک بیشتر و شکاف در روابط با اروپا منجر شود که خود نتیجه‌ای معکوس برای تل‌آویو خواهد داشت. این اقدام همچنین زمینه‌ساز واکنش متقابل اروپا از جمله تشدید تحریم‌ها یا حتی کاهش سطح روابط دیپلماتیک خواهد شد که در نهایت هزینه انزوای سیاسی اسرائیل را بیش از پیش افزایش می‌دهد و نشان می‌دهد که تلاش برای تنبیه مخالفان، قادر به توقف روند فزاینده فشارهای بین‌المللی بر این رژیم نیست.



◆ مقام مسئول طرح آتش بس ترامپ از حملات اسرائیل انتقاد کرد

یکی از مهم‌ترین تحولات هفته، بروز شکاف آشکار میان طرح دولت ترامپ برای مرحله بعدی غزه و رفتار نظامی اسرائیل بود. نیکلای ملادینوف، مسئول ارشد اجرای طرح آتش بس ترامپ، در شورای امنیت گفت طرح ۲۰ ماده‌ای آمریکا از مرحله مذاکره وارد مرحله «اجرایی / مهندسی» شده و حماس با اصل خلع سلاح و انتقال اداره غزه به ساختار غیرنظامی موافقت کرده است. اما همزمان اسرائیل به حملات خود ادامه داده و نتانیاهو اعلام کرده نیروهای اسرائیلی تا تحویل کامل سلاح‌های حماس از خطوط فعلی عقب‌نشینی نخواهند کرد.

اهمیت این تحول در این است که اختلاف دیگر صرفاً آمریکا و حماس نیست؛ بلکه بخشی از مشکل اجرای طرح آمریکایی، موضع خود اسرائیل است. ملادینوف هشدار داده ادامه حملات می‌تواند فرآیند خلع سلاح و انتقال اداره غزه را عقب بیندازد و حتی مسیر توافق را از بین ببرد. بنابراین واشنگتن اکنون با یک معضل کلاسیک روبه‌روست؛ طرحی را طراحی کرده که اجرای آن نیازمند عقب‌نشینی و کاهش عملیات اسرائیل است، در حالی که دولت نتانیاهو همچنان «امنیت» را بر اساس حفظ حضور نظامی تعریف می‌کند.

منبع: آسوشیتدپرس

تاریخ: ۲۶ اگوست ۲۰۲۶



برچسب: خلع سلاح، غزه و اسرائیل

تحلیل

از منظر انتقادی، این تحول نشان می‌دهد رژیم حتی در شرایطی که آمریکا چارچوب سیاسی مطلوب خود را برای غزه طراحی کرده، الزاماً حاضر نیست منطق آن را به طور کامل بپذیرد. برای محور مقاومت، نقطه مهم اینجاست که قدرت نظامی رژیم هنوز نتوانسته به یک نظم سیاسی پایدار تبدیل شود. با این حال، نباید این وضعیت را به معنای پیروزی قطعی مقاومت دانست؛ نقطه تعیین‌کننده این است که مقاومت تا چه حد می‌تواند از اهرم نظامی برای کسب ترتیبات سیاسی و تضمین‌های پایدار استفاده کند.



◆ نخست وزیر بریتانیا آماده ممنوعیت تجارت با شهرک‌هاست؛ منتقدان از تبدیل آن به تحریم عملی اسرائیل می‌ترسند.

این یکی از مهم‌ترین موارد هفته برای سبد سوم رصد توست. بر اساس گزارش، دولت جدید بریتانیا به ریاست اندی برنهام در حال بررسی ممنوعیت کامل تجارت کالاهای تولیدشده در شهرک‌های اسرائیلی کرانه باختری است. همچنین امکان اعمال تحریم علیه برخی وزرای راست‌گرای اسرائیلی و شهرک‌نشینان مطرح شده است. حدود ۱۴۰ نماینده حزب کارگر نیز از این اقدام حمایت کرده‌اند.

اهمیت این موضوع فقط اقتصادی نیست. مسئله این است که اگر بریتانیا از تحریم افراد به سمت محدودیت تجارت با شهرک‌ها برود، فشار از سطح نمادین به سطح اقتصادی منتقل می‌شود. مخالفان این طرح حتی هشدار داده‌اند که اجرای آن ممکن است در عمل شرکت‌های اسرائیلی فعال در شهرک‌ها، شرق بیت‌المقدس و حتی بخش‌هایی از اقتصاد اسرائیل را تحت تأثیر قرار دهد.

تاریخ: ۲۶ اگوست ۲۰۲۶

منبع: تایمز اسرائیل

برچسب: اقتصاد، بریتانیا و تحریم

تحلیل

این روند برای رژیم از نظر راهبردی مهم‌تر از تحریم چند شهرک‌نشین است؛ چون اگر معیار «مجاز یا غیرمجاز بودن تجارت» بر مبنای ارتباط با شهرک‌ها شکل بگیرد، می‌تواند به تدریج هزینه اقتصادی اشغال را بالا ببرد. از منظر محور مقاومت، این همان نقطه‌ای است که مسئله فلسطین از یک مناقشه منطقه‌ای به مسئله‌ای با هزینه مستقیم برای شرکت‌ها، بانک‌ها و دولت‌های غربی تبدیل می‌شود. البته هنوز فاصله زیادی میان این اقدامات و تحریم فراگیر رژیم وجود دارد.



◆ لوکزامبورگ مسیر اوراق قرضه اسرائیل در اتحادیه اروپا را مسدود می کند

این مورد برای بخش اقتصادی و مالی رصد اسرائیل بسیار مهم است. لوکزامبورگ تصمیم گرفته مجوز ادامه روند عرضه اوراق قرضه اسرائیل در چارچوب اتحادیه اروپا را تمدید نکند. طبق گزارش، این مجوز تا ۳۱ اوت معتبر است و بعد از آن مشخص نیست کدام حوزه قضایی اروپایی حاضر خواهد شد نقش «کشور میزبان» برای این اوراق را بر عهده بگیرد.

اهمیت آن زمانی بیشتر می شود که بدانیم اسرائیل از آغاز جنگ حجم بسیار بالایی استقراض کرده است. وزارت دارایی اسرائیل رقم بیش از ۷۰۰ میلیارد شکل تأمین مالی از آغاز جنگ را مطرح کرده و آن را نشانه اعتماد بازار می داند؛ در مقابل، تصمیم لوکزامبورگ نشان می دهد فشار سیاسی اروپا می تواند به تدریج به زیرساخت های مالی مرتبط با اسرائیل نیز سرایت کند.



تاریخ: ۲۴ اگوست ۲۰۲۶

منبع: گلوبز

برچسب: اوراق قرضه، لوکزامبورگ و اتحادیه اروپا

تحلیل

این اتفاق از لحاظ ساختاری مهم تر از تحریم یک فرد است. اگر فشار سیاسی علیه رژیم به بازار سرمایه و ابزارهای تأمین مالی منتقل شود، هزینه جنگ می تواند افزایش یابد. البته فعلاً نباید آن را «تحریم مالی رژیم» نامید؛ رژیم هنوز دسترسی های متعدد به بازارهای جهانی دارد. اما روند قابل رصد این است؛ اشغال به فشار سیاسی به تحریم شهرک نشین به محدودیت تجارت به فشار مالی. این زنجیره اگر تکمیل شود، یکی از جدی ترین تهدیدهای غیرنظامی علیه مدل اقتصادی رژیم خواهد بود.



♦ رزمایش هوایی مصر و چین توجه آمریکا و اسرائیل را جلب کرد

رزمایش هوایی مصر و چین در این هفته توجه اسرائیل و آمریکا را به خود جلب کرد. نکته‌ای که خود تحلیل اسرائیلی روی آن تأکید دارد این است که مسئله فقط رزمایش نیست؛ نگرانی اصلی اسرائیل، عمق گرفتن همکاری نظامی و فناوری چین و مصر و تأثیر آن بر قابلیت‌های آینده ارتش مصر است. مصر یکی از مهم‌ترین کشورهای عربی در محاسبات امنیتی اسرائیل است و همزمان چین تلاش می‌کند روابط اقتصادی، فناوری و نظامی خود را در خاورمیانه گسترش دهد. بنابراین هرگونه انتقال فناوری، آموزش، تجهیزات هوایی یا همکاری صنعتی چین و مصر بالقوه بر موازنه منطقه‌ای اثر می‌گذارد.

تاریخ: ۲۵ آگوست ۲۰۲۶

منبع: ۱۲۴ نیوز

برچسب: چین، اسرائیل و مصر

تحلیل

این تحول یک نمونه از تعدد شرکای نظامی کشورهای منطقه است. مصر الزاماً قصد ندارد وارد بلوک ضد صهیونیستی شود، اما گسترش گزینه‌های فناوری و نظامی قاهره خارج از انحصار آمریکا، به معنی کاهش توان واشنگتن برای کنترل زنجیره‌های امنیتی منطقه است. از منظر مقاومت، همین کاهش انحصار آمریکا اهمیت دارد؛ زیرا فضای مانور کشورهای منطقه افزایش پیدا می‌کند.



دیده بان: تحلیل کلی وقایع منطقه

مجموع تحولات رصد شده در هفته پایانی آگوست ۲۰۲۶ نشان می‌دهد که رژیم صهیونیستی در حال بازتعریف راهبرد منطقه‌ای خود بر پایه سه مؤلفه اصلی است؛ گسترش پیوندهای زیرساختی و انرژی، حفظ برتری نظامی از طریق ترسیم خطوط قرمز، و مدیریت بحران مشروعیت در عرصه بین‌المللی. حمایت ایالات متحده و فرانسه از پروژه اتصال شبکه برق رژیم، قبرس و یونان را باید در همین چارچوب تحلیل کرد. این پروژه صرفاً یک طرح اقتصادی یا فنی نیست، بلکه بخشی از تلاش تل‌آویو برای کاهش آسیب‌پذیری زیرساخت‌های حیاتی خود و ایجاد پیوند مستقیم با اروپا است. با این حال، مخالفت ترکیه، پیچیدگی‌های حقوقی شرق مدیترانه و احتمال تشدید تنش با ایران، سوریه و دیگر بازیگران منطقه‌ای، تحقق آن را با موانع جدی روبه‌رو کرده است. بنابراین، حمایت سیاسی آمریکا لزوماً به معنای تضمین عملیاتی و اقتصادی پروژه نیست.

اهمیت این طرح زمانی بیشتر آشکار می‌شود که آن را در کنار تلاش‌های رژیم برای تبدیل شدن به یک هاب انرژی منطقه‌ای قرار دهیم. تل‌آویو می‌کوشد از طریق اتصال شبکه برق خود به قبرس و یونان، علاوه بر تأمین بخشی از نیازهای داخلی، موقعیت خود را در معماری انرژی اروپا تثبیت کند. در این الگو، انرژی به ابزاری برای عادی‌سازی روابط و ایجاد وابستگی متقابل میان رژیم و کشورهای منطقه تبدیل می‌شود. با وجود این، محدودیت منابع، آسیب‌پذیری زیرساخت‌ها و وابستگی پروژه به همکاری کشورهای دیگر نشان می‌دهد که رژیم بیش از آنکه یک قدرت مستقل انرژی باشد، به دنبال ایفای نقش واسطه و گلوگاه منطقه‌ای است. این وضعیت، وجهی سیاسی به پروژه‌های انرژی می‌دهد و نشان می‌دهد که هدف اصلی تنها تأمین برق یا گاز نیست، بلکه تثبیت جایگاه رژ پرونده سوریه نیز همین منطق قابلیکی آینده غرب آسیاست.

در پرونده سوریه نیز همین منطق قابل مشاهده است. حمله رژیم به عمق خاک سوریه و اعلام ایجاد «منطقه امنیتی» نشان می‌دهد که تل‌آویو تلاش دارد نظم امنیتی پس از تحولات سوریه را پیشاپیش و از طریق ابزار نظامی شکل دهد. نگرانی اصلی رژیم، صرفاً استقرار یک سامانه راداری یا پدافندی ترکیه نیست؛ بلکه مسئله مهم‌تر، ظهور ترکیه به عنوان بازیگری مستقل و اثرگذار در سوریه است. رژیم از آن بیم دارد که تعمیق حضور ترکیه، آزادی عمل هوایی و ظرفیت عملیات نظامی این رژیم را محدود کند. با این حال، تکیه بر حملات پیشگیرانه و تعریف مداوم خطوط قرمز، به جای



کاهش تهدید، احتمال برخورد مستقیم با آنکارا و افزایش بی ثباتی در سوریه را بیشتر می کند. خط قرمزهایی که بدون پشتوانه دیپلماتیک ترسیم می شوند، در نهایت می توانند تصمیم گیرندگان صهیونیستی را در چرخه ای از واکنش های اجباری و تشدید کنترل نشده گرفتار کنند.

پیشنهاد همکاری محدود برق میان رژیم، سوریه و لبنان نیز بخش دیگری از رویکرد چندلایه رژیم را نشان می دهد. این طرح در ظاهر ماهیتی بشردوستانه و غیرنظامی دارد و می تواند برای تأمین برق بیمارستان ها، تأسیسات آب رسانی و خدمات عمومی در مناطق محروم به کار گرفته شود؛ اما در سطح راهبردی، ظرفیت ایجاد وابستگی زیرساختی و افزایش نفوذ سیاسی رژیم را نیز دارد. تفاوت مهم برق با گاز این است که تجارت برق به تعادل لحظه ای، شبکه مشترک و اعتماد عملیاتی نیاز دارد؛ از این رو، هرگونه اتصال مستقیم می تواند وابستگی فوری و آشکارتری ایجاد کند. در چنین شرایطی، همکاری های کوچک، برگشت پذیر و تحت نظارت بین المللی ممکن است از نظر فنی امکان پذیر باشد، اما تبدیل آنها به شبکه ای منطقه ای و پایدار، بدون حل منازعات امنیتی و سیاسی، واقع بینانه نیست. نیاز شدید سوریه و لبنان به انرژی می تواند زمینه ای برای تعامل ایجاد کند، اما همین نیاز نباید به ابزاری برای تحمیل ترتیبات سیاسی یا محدود کردن حاکمیت آنها تبدیل شود.

در سطح داخلی، ثبات نسبی نیروی کار فناوری رژیم در کنار اخراج ها و هشدار فرمانده ارتش درباره آسیب دیدن آمادگی نظامی، تصویری دوگانه از وضعیت رژیم ارائه می کند. از یک سو، بخش فناوری پیشرفته همچنان از ظرفیت قابل توجهی برخوردار است و به ویژه شرکت های سخت افزاری، حوزه های مرتبط با پردازنده ها، زیرساخت های محاسباتی و فناوری عمیق را توسعه می دهند. از سوی دیگر، اخراج گسترده در شرکت های نرم افزاری، دشواری جذب نیروی کار و تأثیر جنگ بر بودجه عمومی نشان می دهد که تاب آوری اقتصادی رژیم مطلق نیست. افزایش بودجه نظامی در شرایط کاهش رشد اقتصادی و فشار بر منابع مالی، شکاف میان اهداف امنیتی و توان اقتصادی را آشکار می کند. فعالیت ارتش در چند جبهه، هزینه های فزاینده جنگ و نیاز به حفظ برتری فناورانه، منابع رژیم را تحت فشار قرار داده و خطر تبدیل شدن آن به یک اقتصاد به شدت نظامی شده و کم تحمل را افزایش داده است.

در عرصه سیاسی و رسانه ای نیز نشانه های فرسایش مشاهده می شود. تلاش بنیامین نتانیاهو برای وادار کردن بن گویر و اسموتریچ به ائتلاف انتخاباتی، بیش از آنکه نشانه انسجام جریان راست باشد، بیانگر نگرانی از پراکندگی آرا و از دست رفتن اکثریت پارلمانی است. هم زمان، گزارش مربوط به تأمین مالی یک اندیشکده جعلی برای اثرگذاری بر چت بات های هوش مصنوعی، نشان می دهد که تل آویو از لابی گری سنتی به سمت جنگ روایت ها در فضای دیجیتال حرکت کرده است. این اقدام، حتی اگر با هدف کنترل تصویر بین المللی رژیم انجام شده باشد، می تواند



نتیجه‌ای معکوس داشته باشد؛ زیرا افشای آن اعتماد به نهادهای پژوهشی و رسانه‌ای وابسته به رژیم را کاهش می‌دهد. واکنش تند رژیم به تصمیم‌های هلند و لوکزامبورگ و نیز احتمال ممنوعیت تجارت کالاهای شهرک‌سازی در بریتانیا، بیانگر انتقال تدریجی فشارها از سطح سیاسی به حوزه تجارت، تأمین مالی و بازار سرمایه است. در مجموع، تحولات هفته نشان می‌دهد که رژیم صهیونیستی و ایالات متحده همچنان می‌کوشند از طریق ترکیب فشار نظامی، مهندسی اقتصادی، عادی‌سازی و پروژه‌های زیرساختی، نظم مطلوب خود را در غرب آسیا تثبیت کنند؛ اما این تلاش با محدودیت‌های جدی روبه‌روست. افزایش رقابت میان رژیم و ترکیه، گسترش همکاری مصر با چین، تعمیق فشارهای اروپایی، آسیب‌پذیری زیرساخت‌های انرژی و فرسایش منابع مالی رژیم، همگی نشانه‌هایی از پیچیده‌تر شدن محیط راهبردی تل‌آویو هستند. نقطه قوت منطقه در این میان، افزایش تکرر شرکا، کاهش انحصار آمریکا، امکان مانور بیشتر دولت‌های منطقه و تبدیل شدن زیرساخت‌های حیاتی رژیم به نقاط آسیب‌پذیر است. با این حال، این فرصت تنها زمانی به دستاورد راهبردی تبدیل می‌شود که کشورهای منطقه بتوانند از ظرفیت‌های اقتصادی، فناورانه و امنیتی خود در قالب همکاری‌های مستقل و چندجانبه استفاده کنند؛ در غیر این صورت، خلأ قدرت موجود می‌تواند همچنان توسط پروژه‌های تحمیلی آمریکا و رژیم صهیونیستی پر شود.



ISA CENTER

International & Strategic
Analysis Center

